

رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه

عباس روحانی^۱ - داود معنوی پور^۲

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین دینداری با شادکامی و رضایتمندی زناشویی انجام گرفت. طرح پژوهشی توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل تمام کادر آموزشی، کارکنان و دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ بود. نمونه پژوهش ۲۶۹ آزمودنی (۶۲ نفر عضو هیأت علمی، ۲۸ نفر از کارکنان و ۱۷۹ دانشجوی متأهل) بود که به شیوه طبقه‌ای تصادفی انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش پرسشنامه شادکامی ($\alpha = 0/90$)، پرسشنامه رضایت زناشویی ($\alpha = 0/92$) و آزمون «معدد ۲» ($\alpha = 0/97$) بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها علاوه بر روشهای آمار توصیفی از تحلیل واریانس یکطرفه (ANOVA)، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده گردید. تحلیل نتایج نشان داد که بین دینداری

* - این پژوهش با اعتبارات مالی معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه انجام شده است.

1- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه
abas1345 @ yahoo.com

2- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

با شادکامی و رضایت زناشویی همبستگی مثبت معناداری وجود دارد ($P < 0/01$). دینداری و سن، پیش‌بینی‌کننده‌های مناسبی برای رضایت زناشویی و شادکامی محسوب می‌شوند ($P > 0/05$).
کلید واژه‌ها: عمل به باورهای دینی، رضایت زناشویی، شادکامی.

مقدمه

دین حقیقتی است که در جنبه‌ها و ابعاد گوناگون زندگی انسان حضور جدی و قابل توجهی دارد. تحقیق در باب دین یا دین‌پژوهی نیز عرصه‌ها و شاخه‌های متعددی یافته است. به گونه‌ای که رشته‌های علمی بسیاری در زمینه‌های مختلف معارف بشری تدوین و تکوین پیدا کرده‌اند که در این بین می‌توان به روان‌شناسی دینی یا روان‌شناسی دین^۱ اشاره کرد. در زمینه تعریف روان‌شناسی دین، متخصصان و صاحب‌نظران امر دیدگاه‌های گوناگونی ابراز داشته‌اند. برای مثال کالینز^۲ (۲۰۰۱) عقیده دارد برای روان‌شناسی دین تعریفی بهتر از تعریف تاوولس^۳ استاد دانشگاه کمبریج وجود ندارد (آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۸۵). تاوولس (۲۰۰۰) اظهار می‌دارد که روان‌شناسی دین به دنبال درک رفتار دینی از طریق به کارگیری اصول و قوانین روان‌شناختی است که البته آن اصول از راه مطالعه رفتار غیردینی به دست آمده‌اند. به بیان ساده‌تر روان‌شناسی دینی در صدد درک رفتار دینی با استفاده از اصول روان‌شناسی است (تریدوی^۴، ۱۹۹۶). بر این اساس باید توجه داشت که وقتی از مفهوم روان‌شناسی دین استفاده می‌شود مراد تحقق و بروز و ظهور دین در رفتار بشر است، به سخن دیگر تدین و دینداری مورد نظر است نه چیز دیگر (آذربایجانی و موسوی اصل، ۱۳۸۵).

افزایش تحقیقات در زمینه‌های گوناگون نظیر میزان مذهبی بودن، نیاز به مذهب، تأثیر دین بر سلامت جسم و بهداشت روانی و ... بسیار چشمگیر بوده است. امروزه دهها کتاب و مجله علمی در باب دین و کاربرد آن در صحنه زندگی انسان منتشر شده است. اما اینکه گُش‌ها و آثار روان‌شناختی دینداری یا دینی بودن کدام است، مقوله بحث‌انگیز روان‌شناسی دینی است.

1 – Psychology of religion

2 – Collins

3 – Thouless

4 – Treadway

تحقیقاتی که درباره کُش‌های دین در حیطه روان‌شناختی انجام گرفته‌اند را می‌توان به دو مقوله اساسی تقسیم‌بندی کرد ۱- تأثیر عمل به باورهای دینی بر بهداشت جسمی و روانی (آکلین^۱، ۱۹۸۳)، تأثیر مثبت باورهای دینی بر سازگاری و بهداشت روانی (برگین^۲، ۱۹۸۸؛ ویلیامز^۳، ۱۹۹۱)، رابطه منفی بین افسردگی و اضطراب با میزان عبادات (میرخشتی، ۱۳۷۵) ۲- دین و مسائل اجتماعی، مانند رابطه بین انجام فعالیت‌های مذهبی و گرایش نداشتن به سمت بزهکاری (چاودیچ و تاپ^۴، ۱۹۹۳)، گرایش به دین و فعالیت‌های مذهبی و نقش آن در کاهش افکار خودکشی و اقدام به آن و نیز تأثیر مثبت مذهب در عدم گرایش به سوء مصرف مواد (دونا هو^۵، ۱۹۹۵؛ بور و مک‌کال^۶، ۱۹۹۴).

در پژوهش آراین (۱۳۸۰) که جامعه آماری آن ایرانیان مقیم کانادا بودند، همبستگی میان دینداری و مؤلفه‌های سلامت روانی (رضایتمندی، خشنودی، عدم افسردگی) را مورد تحقیق قرار داده است. در این مطالعه که ۲۰۱ نفر از افراد جامعه مذکور به پرسشنامه‌ها پاسخ کامل دادند، همبستگی مثبت و معناداری بین رضایتمندی و خشنودی با دینداری به دست آمده است. میان دینداری و افسردگی نیز همبستگی منفی معنادار مشاهده شد، ضمن اینکه تفاوت زنان و مردان و افراد مجرد و متأهل در زمینه رضایتمندی از زندگی و خشنودی معنادار گزارش نشده است، تجربه دینداری و نیایش موجب افزایش خشنودی می‌شود و در فرد احساس ارتباط اجتماعی با خداوند ایجاد می‌کند، این ارتباط از جهاتی شبیه ارتباط با انسانهاست. همچنین گزارش شده است که داشتن باورهای محکم، صرف‌نظر از حضور در کلیسا، با رضایت از زندگی به‌ویژه در سالمندان و تحصیلکردگان همبستگی معنادار دارد (الیسون^۷، ۱۹۹۱).

شواهد تحقیقاتی نشان داده است که داشتن چند رابطه محدود و نزدیک با دیگران با شادکامی، رضایت از زندگی زناشویی، سلامت ذهنی و بهداشت روانی همبستگی دارد (آرگیل^۸، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۱). سلیگمن^۹ (۲۰۰۰) اظهار می‌دارد افرادی که امور مذهبی را به جا می‌آورند شادتر از سایر اشخاص هستند. والریت^{۱۰} (۱۹۹۵)

1- Acklin	2- Bergin	3- Williams
4- Chadwick & Top	5- Dnuhue	6- Burr & Mckall
7- Ellison	8- Argyle	9- Seligman
10- Valeriet		

گزارش می‌دهد که بین انجام امور دینی و شاد بودن رابطه مثبت وجود دارد. دین می‌تواند به‌عنوان یک نظام اجتماعی پیچیده، بر رفتار و بازخوردهای مهم از جمله برنامه‌ریزی خانواده، کار، چگونگی تفسیر زندگی روزانه و برداشت از امور مختلف تأثیر بسزایی داشته باشد.

گلین^۱ (۱۹۸۸) نشان داد افرادی که برای مدت طولانی با هم زندگی کرده‌اند، دین را مهمترین عامل رضایتمندی در ازدواج تلقی می‌کنند. جریگان و ناک^۲ (۱۹۷۸) بعد از بررسی تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که دین بهترین عامل ثبات و پایداری در ازدواج و زندگی زناشویی است. گرانر^۳ (۱۹۸۵) اثر عمل به باورهای دینی و عبادی بر سازگاری زندگی زناشویی را در دو نمونه متشکل از ۲۰۸ زوج که به‌طور مساوی از چهار گروه دینی انتخاب شده بودند، بررسی کرد، نتایج تحقیق وی نشان داد، ارتباط مثبتی بین اعمال دینی و سازگاری در تمامی گروههای دینی وجود دارد. گیبلن^۴ (۱۹۹۴) در مطالعه‌ای ارتباط بین رضایت زناشویی و بلوغ دینی ۴۰۰ زوج از چهار فرقه پروتستان را بررسی کرد. یافته‌ها متکی بر گزارشهای زنان و شوهرانشان بود. جهتگیری دینی آزمودنی‌هایی که بالاترین نمره را در رضایتمندی زناشویی داشتند، درونی بود. مولینز و همکاران^۵ (۲۰۰۱) طی پژوهشی به بررسی رابطه عمل به باورهای دینی و رضایت زناشویی و شادکامی پرداختند. نتایج نشان داد که دینداری به‌گونه‌ای معنادار با سازگاری زناشویی و شادکامی همسران بستگی دارد. این پژوهشگران دریافتند که اثر دینداری بر ازدواج در گروهی که مسن‌تر بودند بیشتر و چشمگیرتر است. ماهونی و دیگران^۶ (۲۰۰۲) بعد از بررسی تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که عمل به باورهای دینی موجب افزایش مشارکت کلامی، افزایش میزان شادکامی، کاهش چشمگیر پرخاشگری کلامی و تعارض‌ها و اختلافات زناشویی شده و در نهایت سبب فزونی رضایتمندی زناشویی گردیده است. کیم و دیگران^۷ (۲۰۰۴) به این نتیجه دست یافتند که عمل به باورهای دینی با هیجان‌ات و عواطف مثبت مانند خوش‌خُلقی،

1 – Glenn

2 – Jerrigan & Nack

3 – Gruner

4 – Giblin

5 – Mullins & et al

6 – Mahoney & et al

7 – Kim & et al

شادکامی، مهربانی، اعتماد به نفس، توجه و آرامش رابطه مثبت دارد. مکنلتی و دیگران^۱ (۲۰۰۴) نشان دادند که دین تأثیر قابل توجهی در سازگاری دارد و از آن می‌توان در کارهای بالینی و مشاوره‌ای نیز استفاده کرد.

شرکات^۲ (۲۰۰۴) بعد از انجام مطالعات خود به این نتیجه رسید که اختلاف دینی بین اعضای خانواده موجب بروز مشکلات برای ادامه زندگی زناشویی می‌شود که این مسأله خود منجر به کاهش رضایتمندی و افزایش تعارضات و اختلافات زناشویی و نیز طلاق می‌گردد. پژوهش موسوی (۱۳۷۴) نشان داد که اعتقادات مذهبی بر رضایت زناشویی تأثیر مثبت دارد، اما بنی اسدی (۱۳۷۰) عنوان کرد که بین پابندی به اعتقادات دینی و سازگاری زناشویی رابطه معناداری وجود ندارد. در مطالعه‌ای که نیکویی و سیف (۱۳۸۴) بر روی ۱۰۰ زوج شهر تهران انجام دادند به این نتیجه رسیدند که بین عمل به باورهای دینی و رضایتمندی زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در پژوهش این دو محقق گزارش شده است که متغیر سطح تحصیلات بر جهتگیری دینی و عمل به باورهای دینی تأثیر معنادار دارد، در حالی که متغیر جنسیت بر جهتگیری دینی و عمل به باورهای دینی تأثیر معنادار نداشت. بدین معنا که افراد با سطح تحصیلات بالا جهتگیری درونی نسبت به دین داشتند و میزان عمل به باورهای دینی در آنها بیشتر بود.

مطالعات زمینه‌یابی نیز تأثیر مشخص هر چند ضعیف، عمل به باورهای دینی بر شادکامی را نشان می‌دهند (آرگیل، ۲۰۰۱). اینگلهارت^۳ (۱۹۹۰) تعدادی از زمینه‌یابی‌های مربوط به ۱۴ کشور اروپایی که ۱۶۳۰۰۰ نمونه در آن شرکت کرده بودند را در هم ادغام نمود. وی دریافت که ۵۸ درصد کسانی که گفته بودند هفته‌ای یک بار یا بیشتر به کلیسا می‌روند در مقایسه با ۲۸ درصد که گاهی به کلیسا می‌رفتند و ۱۴ درصد که اصلاً به کلیسا نمی‌رفتند، احساس رضایت و شادکامی بیشتری از زندگی داشتند. پولوما و پندلتون^۴ (۱۹۹۱) دریافتند که حضور در کلیسا بیشتر از دیگر متغیرهای مذهبی نظیر دعا، نیایش و باورهای قلبی با رضایت زناشویی و سلامتی رابطه

1 – McNulty & et al

2 – Sherkat

3 – Inglehart

4 – Poloma & Pendelton

داشته است. در این مطالعه حضور در کلیسا به مثابه عمل به باورها و اعتقادات دینی تلقی شده بود. پولنر^۱ (۱۹۸۹) دریافت که عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی همبستگی معنادار دارد. ایسون و همکاران (۱۹۸۹) دریافتند که شدت عبادت نظیر دعاهای مکرر و احساس نزدیک بودن با خداوند، قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی است. سؤال اصلی این پژوهش بررسی رابطه دینداری با شادکامی و رضایت زناشویی بود. به عبارت دیگر با توجه به آنچه ذکر شد و همچنین اهمیت موضوعات رضایتمندی زناشویی و شادکامی، این پژوهش در پی آن است که آیا بین عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی رابطه‌ای وجود دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین میزان عمل به باورهای دینی و شادکامی رابطه وجود دارد.
- ۲- بین میزان عمل به باورهای دینی و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.
- ۳- بین میزان عمل به باورهای دینی مردان و زنان تفاوت وجود دارد.
- ۴- عمل به باورهای دینی، سن و رضایت زناشویی به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر شادکامی هستند.
- ۵- بین میزان شادکامی مردان و زنان تفاوت وجود دارد.

روش پژوهش

جامعه آماری در این پژوهش که با هدف بررسی رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی انجام گرفت، کل کادر آموزشی (تمام وقت، نیمه وقت، مدعو)، کارکنان بخش‌های مختلف و دانشجویان متأهلی هستند که در سال تحصیلی ۸۷ - ۸۶ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه ثبت نام کرده بودند. براساس جدول تعیین حجم نمونه از روی حجم جامعه (مورگان و کرجسی، ۱۹۷۰) نمونه‌ای با ۲۶۹ نفر به روش طبقه‌ای تصادفی از جامعه آماری انتخاب گردید (۶۲ نفر هیأت علمی، ۲۸ نفر کارمند و ۱۷۹ دانشجو) و به پرسشنامه‌های پژوهش پاسخ دادند.

ابزارهای پژوهش عبارت بودند از:

۱- آزمون شادکامی آکسفورد

این مقیاس را آرگیل (۱۹۸۹) ساخت و شامل ۲۹ سؤال است. هر سؤال شامل چهار عبارت است که از صفر تا ۳ نمره می‌گیرند. بنابراین نمره هر آزمودنی از صفر تا ۸۷ در نوسان است. آرگیل و همکاران (۱۹۹۵) ضریب $0/90$ را با 347 آزمودنی، فارنهام^۱ (۱۹۹۰) آلفای $0/90$ را با 101 آزمودنی و فرانسیس^۲ و دیگران (۱۹۹۸) آلفای $0/92$ را برای این پرسشنامه گزارش کرده‌اند. علی‌پور و نوربالا (۱۳۷۸) نیز آلفای $0/92$ را برای پرسشنامه شادکامی به دست آورده‌اند.

۲- مقیاس رضایت زناشویی انریچ^۳

برای اندازه‌گیری میزان رضایت زناشویی گروه نمونه از پرسشنامه انریچ استفاده شد. پاسخ به سؤالات به صورت پنج‌گزینه‌ای (کاملاً موافق، موافق، نه موافق نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالف) است. این پرسشنامه را سلیمانیان (۱۳۷۳) در ایران هنجاریابی کرد و تعداد سؤالات آن به ۴۷ رسید. فرم اصلی آن نیز که معادل ۱۱۵ سؤال بوده با آلفای کرونباخ معادل $0/92$ معتبر گزارش شده و میزان ضریب آلفا برای فرم کوتاه شده $0/95$ بوده است. میرخشتی (۱۳۷۵) میزان اعتبار فرم کوتاه را با استفاده از ضریب آلفا معادل $0/92$ محاسبه کرده است. نمره هر آزمودنی در این پرسشنامه بین ۴۷ تا ۲۳۵ است.

۳- مقیاس عمل به باورهای دینی (معبد ۲)

آزمون معبد ۲ را گلزاری در سال ۱۳۸۰ ساخت. فرم اولیه آن ۸۱ سؤالی بود که پس انجام تمامی مراحل آزمون‌سازی به ۶۵ سؤال تقلیل یافت. ۶۰ سؤال این پرسشنامه پنج‌گزینه‌ای (همیشه، بیشتر وقت‌ها، بعضی وقت‌ها، به ندرت، اصلاً) از صفر تا ۴ و ۵ سؤال آن به شکل پنج‌گزینه‌ای با گزینه‌های خاص هر سؤال نمره‌گذاری شده است. این پرسشنامه ۶ زمینه عمل به واجبات، دوری از محرمات، عمل به مستحبات، دوری از مکروهات، انجام فعالیت‌های مذهبی و تصمیم‌ها و انتخاب‌های رایج بین مسلمانان را

می‌سنجد. اعتبار آزمون معبد ۲ با روش محاسبه آلفای کرونباخ معادل ۰/۹۷ و با روش دو نیمه کردن آزمون معادل ۰/۹۲ و با شیوه بازآزمایی معادل ۰/۷۶ گزارش شده است (گلزاری، ۱۳۸۲). در آزمون معبد ۲ نمره هر آزمودنی از صفر تا ۲۶۵ در نوسان است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش به صورت توصیفی و یافته‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش ارائه می‌شوند. در این تحقیق از تحلیل واریانس یکطرفه (ANOVA)، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شد که نتایج در جدولهای مربوط ارائه شده است.

فرضیه اول: بین میزان عمل به باورهای دینی و شادکامی رابطه وجود دارد.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی مربوط به دینداری و شادکامی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	N
دینداری	۱۹۹/۳۲	۲۸/۵۵۲	۲۶۹
شادکامی	۴۸/۴۷	۱۳/۹۹۵	۲۶۹

جدول ۲- ماتریس همبستگی دینداری و شادکامی

شادکامی	دینداری	
۰/۳۴۴**	۱	دینداری:
۰/۰۰۰	۰	سطح معناداری
۲۶۹	۲۶۹	تعداد
۱	۰/۳۴۴**	شادکامی:
۰	۰/۰۰۰	سطح معناداری
۲۶۹	۲۶۹	تعداد

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است (آزمون دو دامنه)

همان‌گونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود فرضیه اول تأیید می‌شود. یعنی بین عمل به باورهای دینی و شادکامی در سطح $P < 0/01$ رابطه معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر هر چه عمل به باورهای دینی فزونی یابد، شادکامی افراد بیشتر است. فرضیه دوم: بین عمل به باورهای دینی و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.

جدول ۳- شاخص‌های توصیفی مربوط به دینداری و رضایت زناشویی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	N
رضایت زناشویی	۱۷۴/۹۲	۲۵/۴۲۲	۲۶۹
دینداری	۱۹۹/۳۲	۲۸/۵۵۲	۲۶۹

جدول ۴- ماتریس همبستگی دینداری و رضایت زناشویی

رضایت زناشویی		دینداری
رضایت زناشویی:	۱	۰/۱۶۴**
سطح معناداری	۰	۰/۰۰۰
تعداد	۲۶۹	۲۶۹
دینداری:		رضایت زناشویی
دینداری:	۰/۱۶۴**	۱
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰
تعداد	۲۶۹	۲۶۹

** همبستگی در سطح $0/01$ معنادار است (آزمون دو دامنه)

همان‌گونه که از داده‌های جدول ۵ برمی‌آید، فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید شده است. نتایج نشان می‌دهد که رابطه بین عمل به باورهای دینی و رضایت‌مندی زناشویی در سطح $P < 0/01$ معنادار بوده است. فرضیه سوم: میزان عمل به باورهای دینی مردان و زنان تفاوت دارد.

جدول ۵- تحلیل واریانس یکطرفه برای بررسی تأثیر جنسیت بر عمل به باورهای دینی متغیر وابسته: عمل به باورهای دینی

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	فراوانی	P	مجدور η	توان آماری
اصلاحی	۴/۳۷۶	۱	۴/۳۷۶	۰/۰۰۵	۰/۹۴۲	۰	۰/۰۵۱
عرضی	۱۰۲۴۲۹۰۲/۷	۱	۱۰۲۴۲۹۰۲/۷	۱۲۵۱۷/۸	۰/۰۰۰	۰/۹۷۹	۱
جنسیت	۴/۳۷۶	۱	۴/۳۷۶	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵	۰	۰/۰۵۱
خطا	۲۱۸۴۷۶/۱۳۰	۲۶۷	۸۱۸/۲۶۳				
مجموع	۱۰۹۰۵۴۰۵/۰	۲۶۹					
مجموع	۲۱۸۴۸۰/۵۰۶	۲۶۸					

اصلاح شده

تحلیل واریانس برای بررسی وجود تفاوت بین میزان عمل به باورهای دینی مردان و زنان نشان داد تفاوت معناداری در این زمینه نیست ($F = ۰/۰۰۵, P > ۰/۹۴۲$)، و میزان معنادار بودن عملی تفاوت در واقع صفر درصد است ($\eta = ۰$)، یعنی هیچ درصدی از کل واریانس یا تفاوت‌های فردی در عمل به باورهای دینی مربوط به تفاوت جنسیت نیست. با توجه به این اطلاعات فرضیه تحقیق تأیید نمی‌شود. فرضیه چهارم: عمل به باورهای دینی، سن و رضایت زناشویی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های متغیر شادکامی هستند.

جدول ۶- خلاصه مدل همبستگی متغیرها

مدل	R	مربع R	مربع R تطبیقی	خطای معیار برآورد
۱	۰/۶۴۴ a	۰/۴۱۵	۰/۴۰۸	۱۰/۷۶۹

a: پیش‌بینی‌کننده‌ها: رضایت زناشویی، عمل به باورهای دینی، سن

جدول ۷- تحلیل واریانس متغیرهای مورد تحقیق

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	ضریب F	معناداری
رگرسیون	۲۱۷۵۷/۲	۳	۷۲۵۲/۳۸۴	۶۲/۵۳۷	۰/۰۰۰
باقی مانده	۳۰۷۳۱/۸	۲۶۵	۱۱۵/۹۶۹		
مجموع	۵۲۴۸۸/۹۸۱	۲۶۸			

جدول ۸ - ضرایب بتا تحلیل رگرسیون

مدل	ضریب بتا (β)	ضریب t	معناداری
باورهای دینی	۰/۲۵۷	۵/۳۶۱	۰/۰۰۰
سن	۰/۰۳۳	۰/۶۸۹	۰/۴۹۱
رضایت زناشویی	۰/۵۴۵	۱۱/۲۱۳	۰/۰۰۰

به منظور تحلیل رگرسیون چندمتغیره از روش ورود استفاده شده است. جدول ۶ نشان می‌دهد که همبستگی بین متغیرهای رضایت زناشویی، باورهای دینی و سن از یک طرف و شادکامی از طرف دیگر برابر با $R = ۰/۶۴۴$ محاسبه گردیده است. در ستون R سازگار شده نشان داده شده است که مقدار آن برابر با $۰/۴۱۵$ است و نشان می‌دهد که ۴۱ درصد واریانس یا تفاوت‌های فردی در شادکامی مربوط به واریانس یا تفاوت‌های فردی در متغیرهای رضایت زناشویی و عمل به باورهای دینی با هم است. این همبستگی معنادار است و در جدول ۷ نشان داده شده است ($F = ۶۲/۵۳۷$ ، $P < ۰/۰۱$). در جدول ۸ رگرسیون تبدیل به t گردیده و معنادار بودن آنها مشخص شده است. نتایج نشان می‌دهد اگر همه متغیرها همزمان کنترل و وارد معادله رگرسیون شوند، عمل به باورهای دینی ($t = ۵/۳۶۱$ ، $P = ۰$) و رضایت زناشویی ($t = ۱۱/۲۱۳$)، رابطه معناداری با شادکامی دارند، ولی سن ($t = ۰/۶۸۹$ ، $P > ۰/۰۵$) رابطه

معناداری با شادکامی ندارد. ضریب بتا میزان این رابطه را نشان می‌دهد که در جدول ۸ نشان داده شده است. بر این اساس می‌توان گفت دو متغیر عمل به باورهای دینی و رضایت زناشویی، پیش‌بینی‌کننده‌های قوی برای شادکامی به حساب می‌آیند، اما متغیر سن این‌گونه نیست. به بیان دیگر با افزایش یک واحد انحراف معیار به نمره‌های عمل به باورهای دینی و رضایت زناشویی به ترتیب، ۰/۲۵۷ و ۰/۵۴۵ به نمره شادکامی افزوده می‌شود (جدول ۸).
فرضیه پنجم: بین میزان شادکامی مردان و زنان تفاوت وجود دارد.

جدول ۹- تحلیل واریانس یکسویه برای بررسی تأثیر جنسیت بر شادکامی

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	P	مجذور η	توان آماری
اصلاح شده	۲/۵۷۵	۱	۲/۵۷۵	۰/۰۱۳	۰/۹۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۵۱
عرضی	۶۰۶۰۲۴/۳	۱	۶۰۶۰۲۴/۳	۳۰۸۲/۹	۰/۰۰۰	۰/۹۲۰	۱
جنس	۲/۵۷۵	۱	۲/۵۷۵	۰/۰۱۳	۰/۹۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۵۱
خطا	۵۲۴۸۶/۵	۲۶۷	۱۶۹/۵۷۸				
مجموع	۶۸۴۴۲۰/۰	۲۶۹					
مجموع اصلاح شده	۵۲۴۸۸/۹	۲۶۸					

نتایج جدول ۹ نشان می‌دهد که تفاوت دو گروه مردان و زنان در شادکامی معنادار نیست ($F = ۰/۰۱۳, P > ۰/۰۵$) و میزان معنادار بودن عملی آن صفر است، یعنی هیچ درصدی از کل واریانس در شادکامی مربوط به تفاوت بین جنسیت آنها نیست. به عبارت دیگر متغیر مستقل جنسیت هیچ‌گونه تفاوت فردی در شادکامی آزمودنی‌ها را تبیین نمی‌کند، بنابراین فرضیه پنجم رد می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در بین زوج‌های دانشجویی دانشگاهی انجام گرفت. تجزیه و تحلیل یافته‌های مربوط به فرضیه اول نشان می‌دهد؛ بین عمل به باورهای دینی و شادکامی رابطه معنادار وجود دارد. درباره این یافته که با نتایج تحقیقات سلینگمن (۲۰۰۲) و آرگیل (۲۰۰۰) همخوانی دارد. می‌توان گفت دین نظام باور منسجمی ایجاد می‌کند که باعث می‌شود افراد برای زندگی خود معنا پیدا کنند و به آینده امیدوار باشند. سامانه‌ها و نظام‌های باورهای دینی به افراد امکان می‌دهد که به ناملایمات، فشارهای روانی و کمبودهای گریزناپذیری که در روند چرخه زندگی رخ می‌دهد معنا ببخشند و نسبت به زندگی امیدواری بیشتری داشته باشند. وانگهی حضور مرتب در امور مذهبی و شرکت در برنامه‌های دینی، برای افراد حمایت اجتماعی ایجاد می‌کند، این خود بر خوشحالی و روحیه و خلق بالای افراد اثر دارد. فرضیه دوم رابطه بین عمل به باورهای دینی و رضایت زناشویی را بررسی کرد که این فرضیه تأیید شد. این نتیجه با برخی از تحقیقات انجام گرفته در این مورد همخوانی دارد (شرکات، ۲۰۰۴؛ نیکویی و سیف، ۱۳۸۴). در مورد نکات تبیینی این فرضیه می‌توان عنوان کرد که حمایت اجتماعی فراهم آمده از طریق دینداری به افزایش رضایت زناشویی کمک می‌کند، ضمن اینکه تجربه دینی و نیایش، موجب ایجاد احساس ارتباط اجتماعی فرد با خدا می‌شود، این ارتباط از جهاتی شبیه ارتباط با انسانهاست که موجب خشنودی از زندگی زناشویی می‌شود. تعالیم و باورهای دینی می‌توانند فرد را به سوی کمال و تعالی و در نتیجه رضایتمندی بیشتر سوق دهند. کسانی که در زمینه دین به اعتقاد و یقین قلبی رسیده باشند و هم در عمل به باورهای دینی خود موفق باشند، در همدلی، درک، مسؤولیت‌پذیری و انعطاف‌پذیری و مواردی از این قبیل توفیق بیشتری خواهند داشت. به همین دلیل چنین افرادی توانایی بالایی برای بهبود در روابط و تعاملات خود دارند و در نتیجه سازگاری و رضایتمندی بیشتری از روابط زناشویی خود دارند.

مطابق با تجزیه و تحلیل‌های آماری انجام گرفته بر روی فرضیه سوم، تفاوت معناداری بین میانگین نمره‌های مردان و زنان از حیث عمل به باورهای دینی مشاهده نشد. این یافته با نتیجه پژوهش‌های قبلی همسو است (نیکویی و سیف، ۱۳۸۴). این

مسأله را می‌توان چنین تبیین کرد که دین برای سعادت، نیکبختی و رستگاری نوع انسان به وجود آمده است. بنابراین مخاطب پیامدهای دینی، تمامی افراد بشر اعم از زن و مرد هستند و هر دو دارای فطرتی پاک می‌باشند.

تحلیل‌های انجام گرفته بر روی فرضیه چهارم نشان می‌دهد که متغیرهایی همانند عمل به باورهای دینی و رضایت زناشویی قادرند شادکامی را در شخص پیش‌بینی کنند. این یافته ضمن دارا بودن همسویی با تحقیقات پیشین (آرگیل، ۲۰۰۰) مبین این مسأله است که رابطه با خدا و نیز رابطه زناشویی موفق، هر دو باعث شادمانی و ایجاد خلّقی مثبت در فرد می‌شوند. تأثیر حضور در اماکن مذهبی و ارتباط با سایر شرکت‌کنندگان، رابطه معنوی فرد با خدا و معنای زندگی که از طریق باورهای دینی برای فرد ایجاد می‌گردد، همگی راههایی هستند که از طریق آنها دینداری ممکن است باعث شادکامی بیشتر شخص شود. همچنین حمایت‌های اجتماعی که از طریق منابع دینی و نیز رضایت از زناشویی به شکل حمایت‌های عاطفی که از طرف همسر به‌دست می‌آیند، نیز به عنوان دلایل تأثیرگذاری این دو متغیر یعنی عمل به باورهای دینی و رضایت زناشویی بر شادکامی محسوب می‌شوند. به هر حال مطابق با نتایج این مطالعه، رضایت از زندگی زناشویی و نیز عمل به اعتقادات دینی پیش‌بینی‌کننده‌های اساسی برای شادمانی ذهنی می‌باشند. در زمینه فرضیه پنجم یعنی تفاوت مردان و زنان در زمینه میزان شادکامی نیز تحلیل‌ها نشان داد این‌گونه نیست. یعنی هیچ درصدی از کل واریانس یا تفاوت‌های فردی در شادکامی با شادکامی تبیین نمی‌شود. این مسأله نشان می‌دهد، احتمالاً بسیاری از منابع مربوط به شادکامی در هر دو جنس مشترک است و تفاوتی از این حیث بین هر دو جنس نیست. در زمینه کاربرد نتایج و یافته‌ها باید اذعان کرد، با توجه به رابطه مستقیم و معنادار بین عمل به باورهای دینی و شادکامی و رضایت زناشویی که هر دو در استحکام بنیادهای زندگی خانوادگی و اجتماعی نقش مؤثری دارند، به مسؤولان مربوط توصیه می‌شود به‌منظور شناساندن ارزشهای دینی و باورهای دینی از شیوه‌های اصولی، علمی، منطقی و با توجه به ویژگیهای روان‌شناختی افراد استفاده شود. برگزاری کلاسهای آموزشی مستمر برای زوج‌ها با هدف بهره‌گیری از روشهای دینی در تعاملات صحیح نیز از دیگر پیشنهادها کاربردی این پژوهش است. برپایی همایش‌ها و برگزاری جلساتی با حضور صاحب‌نظران، مشاوران و

روانشناسان با هدف به کارگیری مفاهیم و آموزه‌های دینی در فرایند مشاوره و روان‌درمانی نیز باید مورد اهتمام بیشتر مسئولان مربوط قرار گیرد.

منابع

- آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۲)، *تهیه و ساخت آزمون جهت‌گیری مذهبی با تکیه بر اسلام*، قم پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- آذربایجانی، مسعود. و سیدمهدی موسوی اصل. (۱۳۸۵)، *درآمدی بر روان‌شناسی دین*، قم پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- آرین، خدیجه. (۱۳۸۰)، *رابطه دینداری و روان‌درستی*، تهران، اولین همایش نقش دین در بهداشت روان.
- آلسیون و دیگران. *دین و چشم‌اندازهای نو*، ترجمه غلامحسین توکلی، (۱۳۷۶)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- بنی‌اسدی، حسن. (۱۳۷۰)، «بررسی و مقایسه عوامل مؤثر اجتماعی فردی و شخصیتی زوجهای ناسازگار در شهر کرمان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- دیوید ام. وولف. *روان‌شناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، (۱۳۸۶)، تهران، انتشارات رشد.
- زمانی منفرد، افشین. (۱۳۷۵)، «بررسی سطح رضایت زناشویی و سطح توانایی ابراز وجود گروهی از زوج‌های تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
- سلیمانیان، علی‌اکبر. (۱۳۷۳)، «بررسی تفکرات غیرمنطقی بر اساس رویکرد شناختی و ناراضی‌تی زناشویی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۲)، *روش تهیه پژوهشنامه*، تهران، نشر دوران.
- علی‌پور، احمد. و احمد نوربالا. (۱۳۷۸). «بررسی مقدماتی پایایی و روایی پرسشنامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های تهران»، *مجله اندیشه و رفتار*، شماره ۱ و ۲.
- گلزاری، محمود. (۱۳۸۰)، «فرم تجدید نظر شده مقیاس عمل به باورهای دینی (معبد ۲)»، *چکیده مقالات همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی*، تهران، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
- موسوی، ر. (۱۳۷۴)، «بررسی و مقایسه عوامل مؤثر بر رضامندی زناشویی در سه گروه پزشکان، کارمندان و کارگران شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه تربیت معلم تهران.

میرخشتی، فرزاد. (۱۳۷۵)، «بررسی رابطه رضایت زناشویی و سلامت روان»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن.

نیکویی، مریم و سوسن سیف. (۱۳۸۴)، «بررسی رابطه دینداری با رضایت زناشویی»، فصلنامه علمی- پژوهشی تازه‌های پژوهشی مشاوره، جلد ۴، شماره ۱۳.

Acklin, M.W. (1983). The role of religious values in coping with cancer. *Journal of religion and health*. 22, 322–333.

Argyle, M. (2000). *Psychology and Religion: An introduction*. London: Routledge.

Argyle, M. (2001). *The psychology of happiness*. London: Routledge.

Argyle, M., Martin, M. & Crossland, J. (1995). *Happiness as a function of personality and social encounters*. North Holland: Elsevier.

Bergin, A.E. (1988). Psychotherapy and religious values. *Journal of consulting and clinical psychology*, 48, 95–106.

Burr, J.A. & Mccall, P.L. (1994). Catholic religion and suicide: the melting effect of divorce. *Social science quarterly*, 75(2).

Chadwich, A. & Top, B.L. (1993). Religiosity and delinquency among LDS adolescents. *Journal for the scientific study of religion*. 3(1). 51–67.

Danuhue, J.M. (1995). Religion and the well-being of adolescents. *Journal of social issues*, 51:145–160.

Ellison, C.G. (1991). Religious involvement and subjective well-being. *Journal of health and social behavior*, 32, 80–99.

Ellison, C.G & et al. (1989). Dose religious commitment contribute to individual life satisfaction? *Social forces*, 68, 100–123.

Francis, L.C & et al. (1998). Happiness as stable extraversion: A cross-cultural examination of reliability and validity of the oxford happiness inventory among students in the UK., Australia and Canada *Personality and individual differences*, 24, 167–171.

- Furnham, A. (1990). Personality and happiness. *Personality and individual differences*, 11, 1093–1069.
- Giblin, P. (1994). Communication in marriage and family. *Journal of family therapy*. Vol 2, issue 1, 48–53.
- Glenn, N.D. (1988). A note of family situation and global happiness. *social forces*, 57, 957–960.
- Gruner, L. (1985). The correlation of private, religious devotional practices and marital adjustment. *Journal of cooperative family studies*. vol 16, N 1, 47–57.
- Inglehart, R. (1990). *Culture shift in advanced industrial society*. Princeton, NJ: Princeton university press.
- Jerrigan, F.A. & Nack, N. (1978). *Emotions status measurement*. Abingdon, UK: Radcliffe medical press.
- Kim, Y.M. & Others. (2004). Spirituality and affect: A function of changes in religious affiliation. *Journal of family psychology*. vol 13. issue 3, 17.
- Krijcie, R.V. & Morgan, D.W. (1970). This table was based on a formula. *Published by the research division of the National Education Association*.
- Mcnulty, K. & Others. (2004). Percieved uncertainty, spiritual well-being and psychological adaptation in individuals with multiple sclerosis. *Journal of family psychology*, vol 13, issue 3–17.
- Mahoney, A. & Others. (2002). Marriage and the spiritual realm: the role of proximal and distal religious constructs in marital functioning. *Journal of family psychology*. Vol 13, issue 3, 17.
- Mullins, L.C., Proett, D., Breckett, K. & Harisson, D. (2001). Marital adjustment and religiosity: A comparison of those under age 65 with those age and older. *Journal of social science research*. vol 2, issue 1.
- Poloma, M.M. & Pendlton, B.F. (1991). *Exploring neglected dimentions of religion in quality of life research*. Lewiston, NY: Edwin mellon press.

- Pollner, M. (1989). Divine relations, social relations, and well-being. *Journal of health and social behavior*, 30, 92–104.
- Seligman, M. (2000). *Authentic happiness: Using the new positive psychology to realize your potential for lasting fulfillment*. New York: Free press.
- Sherkat, D.E. (2004). Religious intermarriage in the united states: Trends, patterns, and predictors. *Journal of social science research*. Vol 18, 47–55.
- Treadway, K.M. (1996). Religion and optimism: model of the relationship. *The student journal of psychology*. 55(1), 254–259.
- Valeriet, W.R. (1995). Life events, happiness and depression: the half empty cup. *personality and individual differences*, 15, 447–453.
- Williams, B. (1991). Annotation: sociometry and peer relationships. *Journal of child psychology and psychiatry*, 35, 997–1013.

تاریخ وصول: ۸۶/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۸۶/۱۲/۲۰